



گرامی باد ۲۶ دی ماه سالروز فرار شاه مزدور  
در جریان جنبش توده های به یاخاسته در سال ۱۳۵۷

نشریه سیاسی - خبری چریکهای فدایی خلق ایران ، شماره ۹۶ - ۱۵ دی ۱۳۸۹

## تعمیق بحران نظام حاکم و اوج گیری اعتراضات کارگری

کارگران خشمگین در تاریخ ۷ دی ماه برای رسیدن به خواستههای خود و از جمله دریافت و محاسبه حق بیمه خود، این تجمع اعتراضی را شکل دادند. در تاریخ ۱۴ دی ماه نیز خبر رسید که بیش از ۲۰۰۰ کارگر لاستیک سازی "بارز" کرمان به دلیل تاخیر در پرداخت حقوق و مطالباتشان چند روز است که در اعتراض و اعتصاب به سر می برند. در همین تاریخ اعلام شد که ۱۲۰۰ کارگر صنعتی البرز نیز بدلیل عدم پرداخت حقوق خود در اعتصاب هستند. روشن است که این نمونه ها تنها جلوه کوچکی از اعتراضات کارگری در چند هفته اخیر می باشند.

اعتراضات و اعتصابات کارگری در شرایطی اوج گرفته است که رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در ماه های اخیر در سراسر کشور ، با براه انداختن هر چه وسیعتر چوبه های دار و با تشدید بگیر و ببند توده های معترض در صدد خفه کردن صدای اعتراضات و مقاومت طبقات محروم و زحمتکش و جلوگیری از تکرار برآمدهای توده ای عظیمی ست که سال گذشته زمین را در زیر پای طبقه حاکم و مرتجعین لرزاند. تداوم اعتراضات کارگری با وجود چنین فضای خفقان باری نمایانگر اوج وخامت وضعیت کار و معاش طبقه کارگر ایران در زیر چرخ دنده های ماشین استثمار و سرکوب نظام حاکم و بیانگر روحیه مبارزاتی بالای کارگران می باشد.

صفحه ۲

ماه در محل کار خود دست به یک تجمع اعتراضی زدند. کارگران معترض جدا از اینکه بر ضرورت پرداخت حقوق های معوقه خود پافشاری می کردند، خواهان حل شدن سایر مطالبات عادلانه شان مبنی بر پرداخت حق بیمه و حقوق دوران بازنشستگی، پس از سالها رنج و زحمت نیز بودند. همچنین ۱۷۰۰ کارگر شرکت جهان فارس به دلیل عدم دریافت ۸ ماه حقوق خود در تاریخ ۷ آذر ماه دست به اعتصاب زدند. سرریز شدن خشم کارگران اعتصابی این شرکت بر علیه اجحافات و ظلم آشکار کارفرمایان مفتخور و دولت حامی آنها که بیشرمانه از پرداخت حقوق پذیرفته شده کارگران سر باز می زنند، باعث شده که کارگران اعتصابی که اکثرا اهل شهر دیلم و روستاهای اطراف هستند، از کارخانه بیرون آمده و جاده های اطراف کارخانه را به روی تمام ماشین های شرکت و دیگر خودروهائی که در منطقه تردد می کنند ببندند.

یکی دیگر از نمونه های این موج اعتراض کارگری تجمع اعتراضی صد ها تن از کارگران "نی بر" هفت تپه و کشت و صنعت کارون شوشتر در مقابل اداره کل تامین اجتماعی استان خوزستان می باشد. این

موج نوینی از اعتراضات و اعتصابات کارگری جامعه تحت سلطه ما را درنوردیده و صدای حق خواهانه کارگران مبارز اما فاقد تشکل، که قبل از هر چیز منعکس کننده شرایط مادی و خیم زندگی و کار آنهاست همچون فریاد قدرتمندی سلطه نظام سرمایه داری و رژیم حافظ اش جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است. از آنجا که این اعتراضات در یکی از سخت ترین شرایط و فضای سیاسی در جامعه تحت سلطه ما - که در سال گذشته یک خیزش توده ای عظیم و یک سرکوب ددمنشانه را از سرگذرانده- صورت می گیرد، این واقعیت خود بروشنی خبر از حدت تضاد های موجودو شرایط نکبت باری می دهد که بورژوازی زالو صفت حاکم بر کارگران ما تحمیل نموده است.

برخی از اعتراضات و اعتصابات کارگری در هفته های اخیر خود به آشکاری موید واقعیت فوق می باشد. برای نمونه کارگران کارخانه مخابرات راه دور ایران در شیراز، پس از آنکه تمامی تلاشهایشان برای راضی کردن کارفرمایان و مقامات دولتی برای پرداخت ۱۷ ماه حقوق معوقه به شکست رسید، برای رساندن صدای اعتراض حق خواهانه شان در تاریخ ۶ آذر

### مرگ غم انگیز چهار پناهجوی ایرانی در یونان

در اوایل آذر ماه، کشف جسد ۴ پناهجوی ایرانی در یک کامیون توسط پلیس یونان، بار دیگر توجه افکار عمومی را به شرایط وخیم پناهجویان ایرانی جلب کرد که جهنم جمهوری اسلامی را برای نجات جانیشان و یافتن یک زندگی سالم و انسانی ترک کرده اند. اجساد این چهار پناهجو که همگی مرد بوده اند در یک کامیون ایتالیایی که در کنار جاده متوقف بود کشف شد و پلیس یونان اعلام کرد که آنها قصد داشته اند بطور غیر قانونی خود را به ایتالیا برسانند. این خبر غم انگیز مدت کوتاهی پس از آن انتشار یافته که در یک حادثه مشابه چندین پناهجوی ایرانی و افغانی هنگام ترک کشور ترکیه و سفر به یونان غرق شده و جان خود را از دست دادند. سیل فرار جوانان از ایران و وجود هزاران پناهجوی ایرانی که در ترکیه و سایر کشورهای همجوار در سخت ترین شرایط گذران می کنند و به امید سفر به اروپا و تقاضای پناهندگی در یک کشور امن به هر خطری تن می دهند، یکی از واقعیات تلخ و غم انگیز گره خورده با حیات ضد خلقی جمهوری اسلامی ست.

در ماه های اخیر و بویژه پس از سرکوب خونین خیزش توده ای یکسال گذشته هزاران تن از جوانان و فعالین سیاسی که در معرض تعقیب و پیگرد دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی بوده اند با ترک ایران برای نجات جان خود به کشورهای همجوار رفته و به امید گرفتن کمک از دفتر سازمان ملل و یا انتقال به اروپا در سخت ترین شرایط مالی و جانی و امنیتی به سر می برند. در بسیاری از موارد فشار سخت اقتصادی و امنیتی منجر به تلاش این پناهجویان به هر قیمتی برای حرکت به سوی کشورهای امن شده و بر بستر سودجویی های قاچاقچیان انسان و رفتارهای غیر انسانی دولت های میزبان هر از چند گاهی شاهد قربانی شدن تعدادی از پناهجویان می شویم.



کارگران تحت ستم ما در اوضاع و احوالی صدای مقاومت و مبارزه خود را بلند می کنند که طبقه کارگر ایران در زیر یکی از وحشیانه ترین هجوم های غارتگرانه بورژوازی وابسته حاکم و سرکوب وحشتناک رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی قرار گرفته است. پیشبرد طرح های اقتصادی غارتگرانه نهاد های وابسته به امپریالیستها جهت تامین گسترده تر منافع سرمایه داری انحصاری جهانی توسط سردمداران مزدور جمهوری اسلامی در طول ۳۰ سال گذشته که حذف سوسیپدوها و تشدید روند محکوم کردن کارگران و خانواده هایشان به فقر و گرسنگی و مرگ تدریجی تنها یک قلم آن است، گوشه ای از این اوضاع مشقت بار را نشان می دهد.

ابعاد بی سابقه فقر و گرسنگی و بیکاری در میان کارگران که نتیجه مستقیم تشدید روند استثمار و چپاول نیروی کار کارگران توسط سرمایه داران زالو صفت وابسته و رژیم مدافع منافع آنان بوده است، نتایج خانه خراب کن سیاستهای اقتصادی دیکته شده از سوی سرمایه داران جهانی و ایادی آنها در ایران را به روشنی به نمایش می گذارد. تجربه بیش از ۲۰ سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی نشان می دهد که چگونه این رژیم با تداوم و پاسداری از نظام سرمایه داری وابسته به ارت رسیده از دوران شاه، با پیشبرد برنامه های اقتصادی دلخواه امپریالیستها در ایران، شرایط تاخت و تاز فزاینده سرمایه های امپریالیستی در کشور ما را مهیا کرده و با پر کردن جیب سرمایه داران جهانی، در عوض کوهی از فقر و فلاکت مطلق را برای اتحاد زحمتکش جامعه و میلیونها تن از کارگران محروم ما بوجود آورده است.

زیر نام "بازار آزاد" و اقتصاد رقابتی که شب و روز، به خصوص پس از جنگ با عراق تبلیغ می شود در واقع شرایط برای غارتگران جهانی و سرمایه داران وابسته هر چه بیشتر آماده شده و امکان استثمار و چپاول آنان دامنه بی سابقه ای یافته است. بجزرات می توان گفت که در طول سلطه بورژوازی در ایران، کارگران ما تا به این درجه در منگنه فشار برای حفظ یک زندگی بخور و نمیر قرار نداشته اند.

از سوی دیگر با تشدید بحران گریبانگیر نظام سرمایه داری جهانی در سالهای اخیر و تلاش امپریالیستها جهت سرشکن کردن بار این بحران بر دوش توده های ستمدیده در کشور های تحت سلطه، رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی جهت تسهیل پیشرفت این سیاست

آریابان امپریالیست اش، آشکارا گام برداشته است. تسهیل شرایط برای واردات دیوانه وار خدمات و کالا های امپریالیستی و به موازات آن تعطیلی صد ها واحد تولیدی که گر چه خود زائیده همین سیستم می باشند اما تعطیلی شان به نابودی هزاران شغل انجامیده و به کارفرمایان امکان می دهد تا دسته دسته کارگران را بدون پذیرش هر گونه مسئولیتی از کار بیکار نمایند. واقعیتی که تنها یکی از عواقب جنایتکارانه سیاستهای جمهوری اسلامی در این زمینه می باشد. تا جایی که مدتهاست که دیگر حتی خود کاربدستان جمهوری اسلامی هم همه جا در توضیح روند سرسام آور تعطیلی کارخانه ها و واحد های تولیدی در سراسر کشور و عدم پرداخت دستمزد کارگران براحتی از وجود "بحران" در اقتصاد کشور و در روابط کارگری سخن می گویند. در این رابطه بطور مثال جبار کوچی نژاد عضو مجمع نمایندگان گیلان در مجلس رژیم، در گفتگو با سایت "کلمه" در تاریخ ۳ دی اعتراف نمود که: "گیلان با بحران شدید کارگری مواجه است و دولت باید هرچه سریعتر رسیدگی بکند". طبیعی است که این روند خود بر ابعاد ارتش ذخیره کار متشکل از کارگران رنج دیده و گرسنه جویای هر کاری با هر دستمزدی بیفزاید.

به این ترتیب، هجوم وقفه ناپذیر سرمایه داران زالو صفت حاکم به سطح زندگی و معاش کارگران که با حمایت بی چون و چرای ماشین سرکوب رژیم حفاظت می شود، کارگران را در موقعیتی قرار داده که عدم دریافت ماه ها دستمزد به جنبه معمول زندگی مشقت بار آنها تبدیل شده است.

به عنوان تنها ذکر یک نمونه می توان به سخنان دبیر اجرایی به اصطلاح "خانه کارگر شیراز" اشاره کرد که در اوایل دی ماه ضمن وحشت از اعتراضات خشمگینانه کارگران مطرح کرد: "رکود گسترده در کارخانه های شیراز و پایدار ماندن مشکلات این کارخانه ها باعث شده است تا برخی کارگران حدود ۱۴ تا ۱۵ ماه حقوق معوقه داشته باشند". وی اضافه کرده که "در حال حاضر میزان بیکاری در این شهر بیش از ۱۵ درصد است و این در حالی است که مسئولان هیچگونه راهکاری برای کاهش آمار بیکاری ارائه نداده اند". چند روز پس از این نیز در تاریخ ۱۱ دی ماه از قول دبیر اجرایی خانه کارگر آبادان در سایت "اِلتنا" اعلام شد که "کارگران لوله سازی خوزستان ۱۸ ماه حقوق و مزایا طلبکار هستند."

در چنین اوضاع و احوالی ست که سران جمهوری اسلامی با آگاهی به خطر عظیمی که در نفس وجود و گسترش اعتراضات کارگری و خشم روزافزون ارتش کارگران برای نظام استثمارگرانه حاکم در

بر دارد، با حساسیت ضد انقلابی خود هر گونه اعتراض کوچک صنفی کارگران را هم با بگیر و ببندو زندان و شکنجه فعالین کارگری پاسخ می دهد. هم اکنون تعداد قابل توجهی از فعالین کارگری که انهامی بجز پیگیری خواسته های عادلانه صنفی کارگران نظیر، پرداخت دستمزدهای عقب افتاده، حق بیمه، امنیت کاری، و قراردادهای عادلانه برای کارگران، و بالاخره حق داشتن تشکلهای کارگری مستقل و غیر وابسته به دولت را ندارند در سیاهچالهای جمهوری اسلامی بسر برده و حیاتشان در معرض تهدید دائم دستگاه سرکوب است. اما علیرغم همه این سرکوبها شاهدیم که چگونه موج جدید مبارزات و اعتصابات و اعتراضات کارگری چنین شرایط بغرنجی پدیدار شده است.

این واقعیات منعکس کننده شرایط مادی زندگی و کار طبقه کارگر محروم و مبارز ما در زیر سلطه یکی از وحشی ترین حکومت های وابسته به امپریالیسم یعنی جمهوری اسلامی ست که شرایط دهشتبار زندگی کارگران قرن ۱۹ اروپا را البته با ماشین سرکوب قرن بیست و یکم برای طبقه کارگر ایران بوجود آورده است.

در چنین اوضاع و احوالی ست که دفاع پیکر از مبارزات روزمره طبقه کارگر ایران و رساندن صدای حق خواهانه کارگران به افکار عمومی و همچنین دفاع از مطالبات عادلانه صنفی و سیاسی این طبقه وظیفه تمام نیروهای آزادبخواه و مترقی و بویژه نیروهائی است که هویت سیاسی خود را با آرمانها و اهداف طبقه کارگر تعریف می کنند. حمایت از مبارزات کارگران در واقع حمایت از جنبش انقلابی مردم ما بر علیه وضع نیکت بار حاکم است. تجارب مبارزاتی مردم ما نشان داده که روند مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و محو سلطه امپریالیستها و نظام سرمایه داری وابسته در ایران به نحو جدایی ناپذیری به انقلابی وابسته است که کارگران بخش بزرگی از نیروی آنرا تشکیل داده و پیروزی آن به سازماندهی و مشارکت هر چه متشکلتتر کارگران و توانائی آنها در رهبری آن گره خورده است. چرا که طبقه کارگر ایران بخاطر شرایط مادی زندگی خود بیشترین انگیزه را برای نابودی این نظام استثمارگرانه و محو قطعی سلطه امپریالیسم در ایران داشته و به خاطر موقعیت مادی خود طبقه اصلی انقلاب بر علیه وضع موجود را تشکیل می دهد. بکوشیم تا اعتراضات و مبارزات جاری کارگران را هر چه وسیع تر به جنبش انقلابی توده های تحت ستم برای سرنگونی جمهوری اسلامی گره زده و شرایط را برای متشکل شدن کارگران مهیا نمایم.



از سوی دیگر، تشدید سیل صدور اسلحه به کشورهای خلیج فارس و سود سرشار آن برای دول امپریالیستی، بویژه آمریکا اساسا با بهانه "خطر" وجود یک جمهوری اسلامی "بنیاد گرا" و "هسته ای" صورت می گیرد و اینجاست که بار دیگر یکی از عرصه های آشکار خدمت گذاری رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی به قدرتهای امپریالیستی و بویژه امپریالیسم آمریکا برجسته می گردد. و این نقشی ست که این رژیم در تشدید میلیناریسم و فضای جنگی و ناامن در یکی از مناطق استراتژیک جهان یعنی خاور میانه به نفع امپریالیسم ایفا می کند.

در شرایطی که بحران عمیق اقتصادی جهان سرمایه داری را درنور دیده است ما شاهدیم که دولتهای امپریالیستی و در راس آنها آمریکا تلاش دیوانه واری را برای تشدید غارت و چپاول کارگران و خلقهای تحت ستم در تمام عرصه ها سازمان داده اند. یکی از برجسته ترین جنبه های فعالیت امپریالیستها تشدید فضای جنگی و گسترش میلیناریسم و گرایش به راه حل های نظامی برای نجات سیستم گنبدیده سرمایه داری از بحران کنونی ست. با تشدید فضای ناامنی و جنگ است که سرمایه داران جهانی و دولتهای مدافع آنها قادر می شوند با سیل صدور اسلحه به نقاط بحرانی، درآمدها و سودهای نجومی برای صنایع اسلحه سازی و بخشهای وابسته به آن در کشورهای متروپل را تضمین کنند. و در جهت تخفیف بحران کریبانکی نظام خویش کام بردارند. در پاسخ به چنین ضرورتی ست که ما شاهدیم مقامات آمریکایی با نشان دادن مترسک جمهوری اسلامی در حال تسلیح به سلاح اتمی، میلیاردها دلار اسلحه و تجهیزات به کشورهای خاورمیانه می فروشند و از احتمال فروش "تسلیحات اتمی" به این کشورها دم می زنند و درست در همان حال رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با نقش آفرینی در راستای پیشبرد سیاستهای بحران زا و جنگ طلبانه آمریکا و شرکا عمل می کند و با سیاستهای ضد مردمی خود از حمله در رابطه با "پرونده اتمی" بزرگترین توجهات را برای پیشبرد سیاستهای نظامی امپریالیستها و فروش سلاح های مرکبارشان در منطقه، فراهم می نماید.

## چریکهای فدایی خلق ایران

### برگزار می کنند:

چهلین سالگرد رستاخیز سیاهگل را هر چه با نگویند

گرامی داریم

## سخنرانی رفیق اشرف دهقانی

زمان: ساعت ۶ تا ۱۱ بعد از ظهر ۵ فوریه ۲۰۱۱

مکان: تورنتو-کانادا

Thornhill Community Centre

7755 Bayview Avenue

Thornhill, Ontario, L3T 4P1

تلفن تماس: ۷۴۴۶-۸۲۲-۴۱۶-۱

ای-میل برنامه: [siahkal@siahkal.com](mailto:siahkal@siahkal.com)

خانمزه اختران همیشه فروزان چریکهای فدایی خلق

را با درس گیری از آموزشهایشان در مبارزه بر علیه

امپریالیسم و ارتجاع پاس می داریم!



آنان به نابودی ستم برخاستند چرا که نان و آزادی را برای همه می خواستند!

[www.siahkal.com](http://www.siahkal.com)

[www.ashrafdehghani.com](http://www.ashrafdehghani.com)

### چند خبر کوتاه

به گزارش "آتی نیوز" در شامگاه ۲۷ آذر ماه اتومبیل حامل فرماندار مزدور شهر صحنه توسط دو موتور سوار مورد حمله قرار گرفت و مهاجمان با شلیک دو گلوله به اتومبیل وی در صدد ترور وی بر آمدند. اما فرماندار صحنه موفق شد تا با پرت کردن خود به بیرون اتومبیل از صحنه بگریزد. این خبرگزاری مهاجمان را "افراد ناشناس" معرفی نمود که در هنگام "بازدید" فرماندار صحنه از جایگاه های سوخت این شهر وی را مورد حمله قرار داده بودند.

در خبری دیگر از قول خبرگزاری "خبر آنلاین" اعلام شد که در صبح روز ۸ آذر صدای انفجاری در "میدان دانشگاه شهید بهشتی" تهران اهالی را "وحشتزده" کرد. این خبرگزاری بدون توضیح بیشتر، انفجار را "مشکوک" اعلام کرد.

"رییس پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ" نیز در تاریخ ۲ دی ماه از "کشف" یک باند بزرگ ورود اسلحه از "بوکان" و "مهاباد" به "تهران" و دستگیری اعضای آن در جریان یک "عملیات ۲ ماهه" خبر داد. به ادعای این مقام حکومت از اعضای باند مزبور که شامل ۷ مرد و یک زن بودند ۲۵ قبضه سلاح جنگی و چند خودرو گرفته شده است. این عده از شهرهای کردستان سلاح های جنگی را به تهران وارد می کردند.



## ۵ سال زندان به خاطر شرکت

### یک کارگر در خیزش توده ای

یکی از ادعا های کذبی که در جریان خیزش عظیم توده های در بند بر علیه نظام استثمارگرانه و رژیم سرکوبگر حاکم در سال گذشته زیاد شنیده می شد این دروغ بزرگ بود که از قرار کارگران در این خیزش شرکت نداشته و فعال نبوده اند. اما علیرغم این ادعا هر روز اخباری راجع به وضعیت شمار زیادی از کارگرانی که در جریان این خیزش دستگیر شده و یا جان خود را از دست دادند منتشر شده است که قبل از هر چیز، کذب ادعای مزبور را به نمایش گذاشته است. در همین چهارچوب در هفته های اخیر اخبار منتشره از تشدید فشار و احتمال مرگ یکی دیگر از کارگران رنج دیده در بند خبر می دهد که در جریان خیزش توده ای سال گذشته بر علیه جمهوری اسلامی توسط مزدوران حکومت دستگیر و به سیاهچال اوین منتقل شده است. بر اساس این گزارشات، ایوب قنبر پوریان یک جوان ۲۰ ساله زحمتکش اهل کوهشدت لرستان است که به عنوان کارگر ساختمانی در تهران کار می کرده و به جرم شرکت در تظاهرات ضد حکومتی دستگیر و در زیر شکنجه ها و فشارهای شدید جسمی و روحی دژخیمان حکومت ماه ها در حالت بلاتکلیفی به سر برده و سر انجام به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده است. در طول یک سال گذشته، این کارگر زندانی بدلیل فشارهای روحی و روانی و جسمی و همچنین نگرانی از بابت سرنوشت خانواده محرومش، چند بار دست به خودکشی زده است که تنها به همت و کمک به موقع هم بندی هایش از مرگ نجات یافته است. جدا از فشار هائی که جلادان جمهوری اسلامی بر زندانیان سیاسی اعمال می کنند، یکی از مسائلی که این کارگر جوان را رنج می دهد این واقعیت می باشد که نامبرده به دنبال از دست دادن پدرش، تنها نان آور خانواده خود شده بود و با دستگیری اش خانواده محروم وی بدون سرپرست مانده و قادر به تامین زندگی خود نمی باشند. خانواده ای که به دلیل عدم استطاعت مالی قادر به مسافرت به تهران و ملاقات با فرزندشان نبوده و همین امر هم بر ابعاد فشارهای روحی و روانی به این کارگر زندانی افزوده است.



## نقش جمهوری اسلامی در تسخیر بازار های بین المللی سلاح، توسط آمریکا

بازار تسلیحات خلیج فارس در چند سال گذشته به برکت وجود رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و سیاستهای ارتجاعی آن، هر چه بیشتر از قبل به منبعی سرشار از سود برای امپریالیستها و در راس آنها آمریکا تبدیل گشته است. موسسه تحقیقات "صلح بین الملل" با انتشار آماری اعلام کرده است که در فاصله سالهای ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ دولت آمریکا بازار تسلیحاتی کشورهای خلیج فارس را از دست رقبای دیگر به در آورده و در سال گذشته نیز با در دست داشتن بیش از ۵۴ درصد از کل فروش سلاح در این منطقه، در راس لیست صادرکنندگان محصولات نظامی به کشورهای خلیج فارس قرار گرفت. در این لیست به ترتیب، آمریکا، فرانسه، روسیه، انگلیس و چین قرار دارند. مطابق این آمار در شرایطی که اقتصاد آمریکا با یک بحران شدید مواجه است حجم قراردادهای نظامی آمریکا با دولتهای عرب خلیج فارس در چهار سال آینده به رقم ۱۲۲ میلیارد و ۸۸۰ میلیون دلار بالغ می گردد که خود کمک بزرگی به این اقتصاد بحران رده می باشد. این رقم بیانگر یک رشد چشمگیر در فعالیت بخشهای نظامی آمریکا در سالهای اخیر است.

بررسی لیست کشورهای عمده خریدار سلاح در منطقه نشان می دهد که هم اکنون ۹۸ درصد خریدهای نظامی دولت قطر در انحصار آمریکا است و ۶۰ درصد تسلیحات خریداری شده توسط امارات متحده عربی نیز توسط شرکتیهای آمریکایی تامین شده است. تسخیر بازار تسلیحات امارات درحالی است که تا چند سال پیش، فرانسه بزرگترین صادر کننده سلاح و تجهیزات نظامی به امارات بود. ارقام فوق جدا از بسته ۶۷ میلیارد دلاری است که تحت عنوان "کمک نظامی"، در اختیار عربستان قرار داده شده و در آمریکا به عنوان "بزرگترین قرارداد" فروش سلاح در "صنایع دفاعی" این کشور نام گرفته است. نکته قابل توجه در این رابطه این است که سیل فروش سلاح به کشورهای خلیج فارس و غارت دلارهای نفتی از کیسه مردم ستمدیده این کشورها در حالی است که به تصدیق اکثر کارشناسان نظامی دولتهای وابسته این منطقه و ارتشهای آنها حتی توان انسانی و تکنیکی لازم برای استفاده موثر از این تجهیزات را ندارند!

صفحه ۳

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

آدرس پست الکترونیک: [ipfq@hotmail.com](mailto:ipfq@hotmail.com)

پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیزم!

